

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر دهقانی ناژوانی

۰۶ جولای ۲۰۲۴

## تکثرگرایی و کثرت گرایی در دانشگاه جنبش انقلابی مهسا:

در قسمت دوم تکثرگرایی و کثرت گرایی تحت عنوان «شناختها و تجارب تلخ چند قرنه و چند دهه با ما بگومگو دارند» گفته شد؛ چندین قرن و چندین دهه، به خصوص در زمان جمهوری اسلامی، ما ایرانی ها از عقل و احساس خودمان در برخورد با واقعیات فردی، اجتماعی و محیط زیستی درست، بجا و به موقع استفاده نکرده ایم، در نتیجه اجتماع و محیط زیست را خراب و این محیطها هم ذهن، روح، عقل، احساس و جسم ما را خراب و ما مردم تجارب و شناختهای مخرب عقلی و احساسی پیدا کرده که بر ذهن، روح، عقل، احساس و جسم ما حاکم و همه جوره مثل خوره ذهن، روح و جسم ما را خورده و می خورند. ما همیشه با این تجارب و شناختهای تلخ ذهنی و روحی در جنگ بوده ایم. ما چندین قرن با بانیان آنها هم از جمله رژیم شاه و به خصوص جمهوری اسلامی در جنگ بوده ایم.

بچه ها، نوجوانان و جوانان به طور غریزی در برابر مذهب، ناسیونالیسم، قومگرایی و کمونیسم افراطی و حکومت های انحصارگرا در هر زمان جنگیده اند. چرا؟، چون نوجوانان و جوانان رشد ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی بالایی دارند. مدام برای رشد خودشان در هر زمینه ای به چیزهای نو و علمی و به روز شده احتیاج دارند و نه به چیزهای کهنه، انزواطلب و راکد، مثل مذهب، ناسیونالیسم، قومگرایی و کمونیست افراطی. از طرفی دیگر دنیای پر انرژی ذهنی، روحی، عقلی و احساسی آرمانگرایانه نوجوانان و جوانان در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست بهتر عمل می کنند اگر تجربه و شناخت درست بزرگ تر ها به موقع به آنها برسد. متأسفانه در نیمه دوم رژیم شاه برعکس عمل کردند و دنیای ذهنی، روحی، عقلی و احساسی رشدیابنده نوجوانان و جوانان را خراب و منزوی و اهریمن مذهبی خمینی آنها را تسخیر کرد.

## چگونگی رشد نوجوانان و جوانان در جمهوری اسلامی؟

بعد از انقلاب ۵۷ تضاد و دشمنی آخوندیسم و مذهب افراطی با بچه ها، نوجوانان و جوانان نوگرا و علم گرا خیلی زیاد و مدام این تضاد نسل به نسل بیشتر می شد. برای ذهن، روح، عقل و احساس بچه ها، نوجوانان و جوانان نه فقط حرفی نداشتند، بلکه آخوندجماعت مخرب تر از زمان شاه به جنگ با نوجوانان و جوانان دامن می زدند. بعضی ها در این مبارزه ها به زندان و شکنجه و اعدام محکوم شدند. بعضی دیگر بیماری های ذهنی روحی و جسمی گرفتند. اما عده ای هم در این جنگها آبدیده و از خودشان در هر زمان کاوه آهنگر ساختند و مبارزه برای آزادی را جلو برده اند.

این مبارزه و آبدیدگی مردم در دی ماه ۹۶ خودش را بیشتر نشان داد. مردم با شعارهای تند «مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، اصلاح طلب اصولگرا دیگر تموم ماجرا» به خودآگاهی نسبی رسیدند. در این تظاهرات مردم نه فقط از تجارب و شناختهای تلخ زمان شاه و بخصوص زمان آخوندیسم که ذهن و روحشان را مثل خوره می خوردند نمی ترسیدند و تسلیم آنها نمی شدند، بلکه با این تجارب و شناختهای تلخ و عاملان اصلی آنها، یعنی جمهوری اسلامی و مذهب افراطی بیشتر از گذشته می جنگیدند.

این خودآگاهی، شجاعت، دلآوری، به خود متکی بودن، جان برکفی، از خود گذشتگی، نترسی، اتحاد و یکپارچگی مردم در کف خیابان دی ماه ۹۶ حکایت از آن داشت که ۱- مردم بر این تجارب و شناختهای تلخ حاکم بر ذهن، روح، عقل، احساس و جسم خود غلبه نسبی و بر بانیان آنها، یعنی آخوندیسم و مذهب افراطی غلبه بیشتر و از آنها عبور کرده اند. ۲- با این غلبه همه جانبه مردم توانستند عقل و احساس در ذهن و روح خود را از زیر سلطه این تجارب و شناختهای تلخ مخرب بیرون بکشند. ۳- عقل و احساس مردم بر این تجارب و شناختهای تلخ که از رژیم شاه و رژیم آخوندی گرفته بودند بطور نسبی غلبه کردند. ۴- اکثر ما مردم پس از چندین قرن و چندین دهه از دی ماه ۹۶ به بعد دیگر بین بد و بدتر انتخاب نکردیم (اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمام ماجرا). ۵- مردم آخوندیسم و مذهب افراطی دشمن عقل سلیم، احساس سالم، علم، بشریت و ایرانیت را پس از هزار و چهارصد سال شناختند. ۶- مردم از مذهب و ایدئولوژی های افراطی و رژیم کاذب آخوندی فاصله گرفتند. ۷- مردم همه جانبه به طرف دشمن واقعی خودشان آخوندیسم انگشت اتهام را نشانه گرفتند (پشت به دشمن روی به میهن). ۸- مردم یاد گرفتند که از این به بعد باید در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست درست، بجا و به موقع از عقل سلیم، احساس سالم و علم استفاده کنند. ۹- مردم پی بردند که به تنهایی نمی توانند کوچک ترین مشکلی را حل کنند چه برسد به مشکلات بزرگ اجتماعی و محیط زیست. ۱۰- مردم پی بردند که یک سر این مشکلات و خرابی ها در ذهن و روح خودشان، سر دیگر در جامعه و محیط زیست خراب و سر سوم در مذهب و ایدئولوژی های مذهبی، ناسیونالیستی، قومگرائی و کمونیستی افراطی و رژیم منفور آخوندی است و سر چهارم در دست اربابان شرق و غرب جمهوری اسلامی است، پس بنابراین مردم باید با تجارب و شناختهای ذهنی، روحی، عقلی و احساسی خودشان بجنگند تا با اصلاح آنها بتوانند ذهن و روح خودشان را اصلاح کنند. از طرفی دیگر باید با ایدئولوژیها و رژیم آخوندی و نوکران و اربابان آنها بجنگند و آنها را عقب برانند. اینها پس از چند قرن در دی ماه ۹۶ با تمام تلفات جانی دستاوردهای بزرگی برای مردم بودند، ولی کافی نبودند.

در ادامه این روند خودآگاهی رو به رشد توده ای مردم ایران در آبان ماه ۹۸ تضاد، جنگ و دشمنی رژیم آخوندی و مذهب افراطی با مردم ایران به اوج خود رسید. رژیم نشان داد که دشمن اصلاحات، دشمن هستی و انسانیت و ایرانیت است. رژیم منفور آخوندی عقب افتاده مطلقگرای در مانده به دستور اربابان شرق و غرب در آبان ۹۸ فقط به قلب و سر مردم شلیک می کرد تا با این کشتار فجیع ناجوانمردانه مردم را بترساند. اما مردم با تمام تلفات جانی بالای چهار هزار و پانصد نفره نه فقط نترسیدند، بلکه این جنایت، مردم را بر علیه رژیم جری تر و شجاع تر کرد و همان شعارها و خواسته های به حق دی ماه ۹۶ را بیشتر و رساتر بیان کردند. برای رژیم و اربابانش آبرو ریزی و شکست بزرگی بود. دشمن بشریت و مردم در ایران و جهان بیشتر شناخته شد.

**دانشگاه جنبش انقلابی مهسا و دستاوردهای آن:**

در رژیم منفور عقب افتاده آخوندی از مدرسه تا دانشگاه از آموزش و تربیت خبری نبوده و نیست. بی عقلی و بی سوادی بیداد می کرد و برای افراد کودن و خود فروخته بازار مدرک دکترا و مهندسی تقلبی خیلی داغ بوده و هست. حافظ بزرگ می فرمایند «جای آن است که خون موج زند در دل لعل... زین تغابن که خَزَف می شکند بازارش»، نوجوانان و جوانان که زیر بار جهل و خرافات نمی رفتند تنها منبع یادگیری تجارب و شناختهای تلخ و مخربی بود که خود این نوجوانان و جوانان در جنگ با رژیم آخوندی با تلفات سنگین به دست آورده بودند و همچنین تجارب و شناختهای که پدران و مادران آنها از رژیم شاه و جمهوری اسلامی برای این نوجوانان و جوانان به ارث باقی گذاشته بودند. این تجارب و شناختهای تلخ با تمام تلخ و مخرب بودنشان کمک بزرگی به این نوجوانان و جوانان کردند و اجتماع خراب ایران را بخصوص در جنبش انقلابی مهسا به دانشگاه تبدیل کردند.

در قسمت دوم تکثرگرایی و کثرت گرایی گفته شد که این تجارب و شناختهای تلخ ۴۵ ساله که ذهن و روح جامعه را می خوردند چگونه توسط نوجوانان و جوانان کاوه آهنگر اصلاح تر شدند و در ذهن و روح این نوجوانان و جوانان با عقل و احساس آنها آشتی کردند. این شناختها و تجارب تلخ اصلاح شده به این نوجوانان و جوانان کاوه آهنگر هشدار می دادند که عزیزان فلان کاری که می خواهید بکنید آیا همان اشتباهات قبلی نیست؟ آیا رویش فکر کرده اید؟ آیا در باره آن با کسی مشورت کرده اید؟ آیا آنها را با ما تجارب و شناختهای تلخ خودتان مقایسه کرده اید که بدانید تا چقدر درست هستند؟ مواظب باشید از نو به دام نیفتید. مواظب باشید که مثل پدران و مادرانتان ما تجارب و شناختهای تلخ اصلاح شده را از نو خراب نکنید. ما در ذهن و روح شما با شما رشد داریم و اگر از نو خراب شویم ذهن و روح شما نوجوانان و جوانان را از نو خراب و مثل خوره می خوریم. از گذشته تلخ خودتان و پدران و مادرانتان درس بگیرید و با مشورت و همکاری با همدیگر کمتر اشتباه کنید.

همه مردم در هر زمان، بخصوص در دانشگاه اجتماعی جنبش انقلابی مهسا کم و بیش پیام تجارب و شناختهای تلخ را در ذهن و روح خود گرفتند. از خاکستری گرفته تا غیر خاکستری همه دشمن خودشان رژیم آخوندی و مشکلات را شناختند و به نوعی در جنگ با آنها بودند. اما متأسفانه عده ای خاکستری و راه حل درستی نداشتند، چون خرابی های زندگی و اجتماع زیاد و پیچیده و نمی دانستند که با چه کسی و در باره چه چیزی باید صحبت و تصمیم بگیرند. به همین خاطر در هر زمان، بخصوص در جنبش انقلابی مهسا فقط نوجوانان و جوانان آرمانگرا پیام تجارب و شناختهای تلخ را بیشتر گرفتند، چون اولاً رشدیابنده تر و با مذهب کهنه راکد و رژیم آخوندی جاهل در تضاد بودند. دوم تحرک و رشد آنها بالا و تحمل سد شدن رژیم منفور در برابر آرمان های خود را نداشتند. به همین خاطر از یک طرف با رژیم ضحاک آخوندی می جنگیدند تا آن را از زندگی خود عقب برانند. دوم تضاد و جنگ جمهوری اسلامی با نوجوانان و جوانان مدام زیادتر می شد. مدام فاصله پسروری و عقبگرد جمهوری اسلامی با پیشروی رو به جلوی نوجوانان و جوانان زیاد می شد، یعنی جنگ بین دو رقیب نبود که برای منافع و قدرت بیشتر با هم می جنگیدند، بلکه جنگ بین اهریمن پست جمهوری اسلامی با نوجوانان و جوانان اصلاح پذیر بود و هست که دنبال حقیقت و انسانیت هستی بخش می گردند. سوم این نو جوانان و جوانان با کمک انرژی نوجوانی و جوانی و با کمک تجارب و شناختهای تلخ اصلاح شده این چند دهه با ذهن، روح، عقل و احساس خودشان می جنگیدند و آنها را بیشتر اصلاح و با این تجارب و شناختهای تلخ آشتی می دادند و به رشد همدیگر می افزودند که تا با واقعیات اجتماعی و محیط زیست همخوانی بیشتری پیدا بکنند.

**انسانیت هستی بخش در ذهن و روح نوجوانان و جوانان جوانه زد:**

به برکت این تجارب و شناخته‌های تلخ چند دهه انسانیت و هستی نجات بخش در اعماق وجود این نوجوانان و جوانان رشد کرد و جوانه زد که عزیزان من هستی را صدا زدید؟ من اومدم. من جنبش انقلابی مهسا را برای شما به دانشگاه مردمی هستی بخش تبدیل می‌کنم که تا شما مردم ایران و جهانیان از آن درس بیاموزید.

شما برای پیروزی در جنگ با اهریمن آخوندیسم باید بن‌مایه انسانیت هستی بخش نهادینه شده در نوجوانان و جوانان را تقویت کنید. باید تجارب و شناخته‌های درست خودتان را به موقع و بجا در اختیار نوجوانان و جوانان قرار دهید تا در تضاد و جنگ با هر اهریمنی مثل رژیم آخوندی کذاب پیروز شوند.

من در دانشگاه جنبش انقلابی مهسا به همت والای فرزندان ایران ورق را به نفع مردم ایران برمی‌گردانم و رژیم آخوندی را به زانو می‌افکنم.

مزدوران داخلی و خارجی مذهبی، ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی افراطی به فرمان اربابان خارجی خود برای نجات رژیم منفور آخوندی به دست و پا افتادند و با وکالت بازی، منشوربازی و به اورشلیم رفتن، با تشکیل جلسات مختلف و با کمک گرفتن از رسانه های مختلف و شبکه های مجازی، با آوردن پرویز ثابتی در تظاهرات خارج کشور و با پرچمهای رنگ و وارنگ سعی می‌کردند که به این رژیم آخوندی به زانو در آمده جان تازه ای ببخشند. مردم بخصوص نوجوانان و جوانان تمام این مزدوران را شناخته و به آنها نه گفتند. با تمام تلفات سنگینی که جنبش مهسا و مردم پرداختند، ولی طعم شکست را به رژیم و نوکران و اربابانش چشانند. این نوجوانان و جوانان کاوه آهنگر ثابت کردند که مردم ایران دیگر آن مردم به خواب رفته چند سده و چند دهه پیش نیستند. یک درسی هم بود برای خود مردم که عزیزان مدرک دکترا و مهندسی تقلبی خریدن و با آنها پز عقلی دادن به جایی نمی‌رسید. باید از این به بعد بین بد و بدتر انتخاب نکنید.

### **ادامه روند رشد رو به جلوی جنبش انقلابی مهسا:**

به همت والای این نوجوانان و جوانان کاوه آهنگر و تجارب و شناخته‌های اصلاح شده در ذهن و روح آنها دانشگاه جنبش انقلابی مهسا با تمام تلفات سنگین خم به ابرو نیاورد و از اینکه مستقیم و غیر مستقیم مردم آن را تأیید کردند محکم تر و استوارتر به راه یادگیری و یاد دادن خود ادامه داد. تاکتیک و استراتژیک خودش را عوض کرد و به مسیر و پیشرفت خودش ادامه داد. شناخته‌ها و تجارب تلخ چند دهه این مردم به مردم ایران و به این جنبش انقلابی مهسا حالی کردند که عزیزان آرمانگرایی به رشد و پیشرفت کمک می‌کند، ولی کافی نیست. باید با هم هسته های دو نفره و سه نفره و چند نفره تشکیل و با هم کار تشکیلاتی در هر سطحی انجام دهید. باید از عقل، احساس و علم همدیگر استفاده تا در رابطه با هم آگاه تر، خودآگاه تر، آبدیده تر و مقاوم تر و برخورد درست تری با واقعیات داشته باشید. بدون همکاری و کار تشکیلاتی به تنهایی به جایی نمی‌رسید. نوجوانان و جوانان دانشگاه جنبش انقلابی مهسا به نوجوانان و جوانان جان بر کف از دست رفته ادای احترام کردند و به فرمان تجارب و شناخته‌های تلخ در ذهن و روح خود لبیک گفتند.

در تشکل عمومی و عام سراسری جنبش انقلابی مهسا در رأس همه دختران و زنان در کوچه، خیابان، بازار، ده، شهر و استان و در سراسر کشور به کار تشکیلاتی عام و عمومی حجاب اختیاری پرداختند و مبارزه را با تمام خطراتش بر ضد استبداد دینی و ایدئولوژیکی به پیش بردند. سراسر ایران را به دانشگاه حجاب اختیاری تبدیل کردند. دختران، زنان و پسران و مردان با نه به حجاب اجباری و پذیرش حجاب اختیاری نشان دادند که از این به بعد این ما هستیم که ذهنی، روحی، عقلی و احساسی خودمان را تنظیم می‌کنیم و می‌سازیم، من نوعی ما می‌شویم. حق انتخاب و تصمیم‌گیری در

هر سطحی را حساب شده داریم. به توی متجاوز آخوندی و مذهب افراطی ضد بشریت، ضد عقل، ضد احساس و ضد علم نه می‌گوئیم.

به برکت این خودآگاهی فردی و جمعی و کار تشکیلاتی عام و عمومی دانشگاه جنبش انقلابی مهسا در سراسر کشور بود که مبارزه با تمام تلفات سنگین بر علیه ارتجاع تکثرگرایی و ازده آتش به اختیار آخوندیسم و زیر مجموعه های فاسد آن، یعنی مذهب، ناسیونالیسم، قومگرایی و کمونیسم افراطی ادامه یافت. این خودآگاهی و مبارزه برای آزادی نه فقط در سطح جامعه محدود نشد. نه فقط به دختران، زنان، پسران و مردان محدود نشد. نه فقط به کار تشکیلاتی عام و عمومی حجاب اختیاری زنانه در سراسر کشور محدود نشد، بلکه این خودآگاهی و مبارزه برای آزادی با رشد درست درونی و بیرونی خود زیر مجموعه های تشکیلاتی شبکه ای افقی و موازی هم به خود گرفت و هدفمندتر و گسترده تر شد. کار تشکیلاتی مخفی و علنی در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی منسجم تر، دقیق تر، بهتر و گسترده تر عمل کرد. دانشگاه جنبش انقلابی مهسا با زیر مجموعه های افقی و شبکه ای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود باید با امنیت بیشتر و حساب شده تر رشد و درست تر عمل کند تا افراد در رابطه با هم از هم بیشتر یادگرفته و از افراط بیش از حد فردی و جمعی خود بکاهند و از کهنه گرایی، توهمزائی، خیالپردازی، بیسوادی، خود فریبی و دیگران فریبی، انحصارگرایی و مطلقگرایی خودشان که از گذشته تلخ به ارث برده اند به مرور بکاهند و بیشتر به هم نزدیک شوند. رشد و خودآگاهی که بالا رفت افراد از خریدن مدرک دکترا و مهندسی تقلبی و پز عقلی دادن خسته می شوند. مردم خودآگاه از هر ایدئولوژی مذهبی، ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی افراطی، انحصارگرا و مطلقگرا و افراد نفوزی فاصله بیشتری می گیرند. نگارنده با ایدئولوژیها مشکل ندارم اگر افراط و تفریط خودشان را کنار بگذارند. این مهم زمانی شدنی است که بدانیم کجاها از عقل و کجاها از احساس و کجاها از هر دو در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست استفاده درست بکنیم. با عقل و احساس و منطق قبل از اینکه دیر شود باید به موضوعات اساسی بی نانی، بی آبی، بیکاری، فقر، بحران اقتصادی، تورم و بحران های اجتماعی و محیط زیست پرداخت. شکمهای گرسنه قحطی و شورش کور را با خود می آورند. رژیم آخوندی عامل تمام این بدبختیها با درایت والای مردم باید سرنگون شود هر چه زودتر بهتر. بعد از سرنگونی اگر از عقل، احساس و علم همدیگر درست کمک بگیریم مشکلات را حل و به مرور به تکثرگرایی و کثرت گرایی سالم تری روی می آوریم.

موفق و پیروز باشید! پاینده و جاویدان ایران عزیز ما